



دوره ۲ / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۱ / ص ۲۵۶-۲۳۳

سلاک؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو

محمد رضا دهشیری^۱

استادیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

عبدالرضا سیفی^۲

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۶ - تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۸

چکیده

اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (سلاک) بزرگ‌ترین و جدیدترین اتحادیه در میان کشورهای آمریکای لاتین است. این اتحادیه که با حضور همه کشورهای قاره آمریکا به جز ایالات متحده و کانادا تشکیل شده، زمینه‌ساز ایجاد همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی در منطقه شده است و به عنوان عنصری تأثیرگذار در تحولات سیاسی و بین‌المللی مورد توجه تحلیلگران سیاسی قرار گرفته است. در حال حاضر ۳۳ کشور با جمعیت بیش از ۵۷۳ میلیون نفر و وسعتی حدود ۲۰ میلیون کیلومتر مربع عضو سلاک اند. رهبران آمریکای لاتین تشکیل سلاک را گامی عملی برای تحقق آرزوی سیمون بولیوار در راستای ایجاد اتحاد میان کشورهای آمریکای لاتین، مبارزه با قدرت‌طلبی و دخالت آمریکا در منطقه، خروج آمریکای لاتین از وضعیت حیاط‌خلوتی آمریکا، ایجاد صدای مشترک جدیدی در عرصه بین‌الملل و ایجاد جهانی عادلانه‌تر در جهت منافع بشر می‌دانند. در پژوهش حاضر، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی اتحادیه جدیدالتأسیس سلاک برای تبدیل شدن به قطبی تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی بررسی و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: چالش‌ها، سلاک، فرصت‌ها، منطقه آمریکای لاتین، نظام بین‌الملل، نظریه نوکارکردگرایی.

1. mohammadreza_dehshiri@yahoo.com (نویسنده مسئول)

2. seify_a@yahoo.com

مقدمه

آمریکای لاتین به مجموعه‌ای از کشورهای قاره آمریکا به جز ایالات متحده و کانادا اطلاق می‌شود که زبان مردم آن ریشه‌ای لاتینی دارد. آمریکای لاتین منطقه‌ای شامل ۴۹ کشور در محدوده آمریکای مرکزی، کارائیب و آمریکای جنوبی از مکزیک تا قطب جنوب است و در حال حاضر در این منطقه با وسعتی حدود ۲۱ میلیون کیلومتر بیش از ۵۹۰ میلیون نفر از مردم جهان زندگی می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۰: ۹). برخورداری از منابع غنی معدنی و طبیعی در کنار موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه، آمریکای لاتین را به یکی از مناطق مهم و راهبردی در عرصه بین‌الملل تبدیل کرده است. علاوه بر این، خصوصیات ذاتی، تغییر در آرایش سیاسی کشورهای مهم آمریکای لاتین و روی کار آمدن دولت‌های مردمی منتقد نظام لیبرال و زاویه گرفتن سیاست‌های کشورهای این منطقه با ایالات متحده که در گذشته نه چندان دور آمریکای لاتین را حیط خلوت خود می‌دانست، آمریکای لاتین را به یکی از مناطق مهم و مورد توجه تحلیل‌گران سیاسی تبدیل کرده است.

تشابه‌های فرهنگی، زبان مشترک و پیشینه تاریخی مشابه در میان اکثر کشورهای منطقه آمریکای لاتین در کنار روی کار آمدن دولت‌های همسو و لزوم ایجاد روابط مشترک بین این کشورها سبب شده تا اتحاد‌های مختلفی میان کشورهای بزرگ این منطقه ایجاد شود. از این جمله می‌توان به بازار مشترک جنوبی (مرکوسور)^۱، اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی (اوناسور)^۲، جامعه آند^۳، اتحادیه آلبا^۴ و اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب یا به اختصار سلاک (CELAC)^۵ اشاره کرد. در هر کدام از این اتحادیه‌ها تعداد متفاوتی از کشورهای آمریکای لاتین عضوند و روابط گسترده‌ای با محوریت موضوعات مورد علاقه کشورها، به‌ویژه موضوعات تجاری و اقتصادی در میان اعضای آن برقرار شده است.

-
1. Mercado Común del Sur
 2. Unión de Naciones Suramericanas
 3. Comunidad Andina.
 4. Bolivarian Alliance for the Americas
 5. Community of Latin American and Caribbean States

در این مقاله ضمن معرفی اتحادیه جدیدالتأسیس سلاک، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش روی این اتحادیه را بررسی و تحلیل می‌کنیم. شایان ذکر است با توجه به جدیدالتأسیس بودن این اتحادیه مقالات و تحقیقات گسترده‌ای درباره این اتحادیه انجام نشده و تا به حال مقاله‌ای با نگاهی بومی و به زبان فارسی با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی این اتحادیه منتشر نشده است.

در این مقاله نظریه نوکارکردگرایی در چارچوب نظریه‌های همگرایی چارچوب نظری تحلیل بوده است. مفروضه بنیادی و محوری نوکارکردگرایی مفهومی تسری است که از طریق آن، حرکت‌ها و اقدام‌های اولیه در جهت همگرایی اقتصادی سازوکارهای درون‌زاد اقتصادی و سیاسی را باعث می‌شود و به نوبه خود همگرایی بیشتر در حوزه‌های موضوعی مرتبط را برمی‌انگیزد. بر این اساس، در بافت و بستر سیاسی، منطق تسری و سیاسی شدن حاکی از آن است که اقدام‌های همگرایانه در یک حوزه دارای حساسیت اندک در سیاست سفلی^۱ است و باعث جرقه و شروع همگرایی بیشتر در بخش‌های مرتبط سیاسی می‌شود. به گونه‌ای که این فرایند به موضوع‌ها و مسائل سیاست والا^۲ با درجه و اهمیت زیاد نیز گسترش می‌یابد (دهقانی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). از نگاه نوکارکردگرایان همگرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق ملی در سطح منطقه‌ای است. این نهادها برای رشد و تعمیق همگرایی و تسهیل آن ایجاد می‌شوند و اختیارات آن‌ها درجات متفاوتی دارد. از سوی دیگر، افراد، گروه‌های ذی‌نفع و احزاب داخلی با بهره بردن از منافع همگرایی و داشتن پیوندهای فراملی در برای تحکیم همگرایی کشورها تلاش می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۲). براساس آرای نوکارکردگرایان با شروع فعالیت همگرایانه و مشترک و تسری آن به بخش‌های مختلف می‌توان به جامعه‌ای متحد و مشترک در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دست یافت. این پژوهش به این پرسش می‌پردازد که سلاک برای تبدیل شدن به قطبی تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی چه مزیت‌ها و فرصت‌هایی دارد و در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه است؟ در پاسخ می‌توان

1. Low Politics
2. High Politics

دارابودن منابع غنی طبیعی، اشتراک فرهنگی کشورهای منطقه، اشتراک دیدگاه سیاسی میان کشورهای عضو و تجربه و ظرفیت همگرایی در منطقه را مهم‌ترین فرصت‌ها و توسعه نامتوازن کشورهای عضو، بی‌ثباتی سیاسی، اختلاف مرزی میان اعضا، وابستگی به کمک‌های اقتصادی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، و ناهمگونی سیاسی را مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این اتحادیه برای تبدیل شدن به قطبی تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل دانست.

۱. معرفی سلاک

اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین و کاراییب (سلاک) بزرگ‌ترین و جدیدترین اتحادیه در میان کشورهای آمریکای لاتین است. این اتحادیه که با حضور تمام کشورهای منطقه بجز آمریکا و کانادا تشکیل شده، زمینه‌ساز ایجاد همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی در این منطقه محسوب می‌شود و به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در تحولات سیاسی و بین‌المللی مورد توجه تحلیلگران سیاسی قرار گرفته است.

نخستین اجلاس سلاک با حضور رؤسای جمهور و سران ۳۳ کشور عضو و بدون نمایندگان کشورهای آمریکا و کانادا، دوم و سوم دسامبر ۲۰۱۱ به میزبانی ونزوئلا، در کاراکاس پایتخت این کشور، برگزار شد. بسیاری از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس نشست خود را نشستی ضدآمریکایی اعلام و ابراز امیدواری کردند این اجلاس به وزنه‌ای مقابل سازمان کشورهای آمریکایی^۱ تبدیل شود که مقر آن در واشنگتن است. آن‌ها تشکیل سلاک را گامی عملی برای تحقق آرزوی سیمون بولیوار در راستای ایجاد اتحاد میان کشورهای آمریکای لاتین، مبارزه با قدرت‌طلبی و دخالت آمریکا در منطقه، خروج آمریکای لاتین از وضعیت حیاط‌خلوتی آمریکا، ایجاد صدای مشترک جدید در عرصه بین‌المللی و ایجاد جهانی عادلانه‌تر در جهت منافع بشر دانستند.

در حال حاضر ۳۳ کشور با جمعیت بیش از ۵۷۳ میلیون نفر و وسعتی حدود ۲۰ میلیون کیلومتر مربع عضو سلاک‌اند. با معیار قرار دادن زبان و گویش مردم کشورها می‌توان ۳۳ کشور عضو سلاک را به این شرح تقسیم کرد:

1. Organization of American States (OAS)

الف) ۱۸ کشور اسپانیایی زبان (۵۶ درصد وسعت منطقه و ۶۳ درصد از کل جمعیت): آرژانتین، بولیوی، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، مکزیک، نیکاراگوا، پاناما، پاراگوئه، پرو، اوروگوئه، ونزوئلا.

ب) برزیل تنها کشور پرتغالی‌زبان (۴۲ درصد از وسعت منطقه و ۳۴ درصد از کل جمعیت).

ج) هاییتی تنها کشور فرانسه‌زبان (۰/۱ درصد از وسعت منطقه و ۱/۶ درصد از کل جمعیت).

د) ۱۲ کشور انگلیسی‌زبان (۱/۳ درصد از وسعت منطقه و ۱/۱ درصد از کل جمعیت): آنتیگوا و باربودا، باهاما، باربادوس، بلیز، دومینیکا، گرانادا، گویان، جامائیکا، سنت‌لویس، سنت‌کیتس و نویس، سنت‌وینسنت و گرنادین‌ها، ترینیداد و توباگو.

ه) سورینام تنها کشور هلندی‌زبان (۰/۸ درصد از وسعت منطقه و ۰/۱ درصد از کل جمعیت).

با توجه به اهمیت این اتحاد منطقه‌ای به علت برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در عرصه بین‌الملل از یکسو و نو ظهور بودن آن از سوی دیگر، شایسته است فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش روی این اتحادیه در مسیر تبدیل شدن به قدرت مؤثر جهانی بررسی و تحلیل شود.

۲. فرصت‌های پیش روی سلاک

منطقه آمریکای لاتین به علت برخورداری از منابع غنی معدنی و طبیعی و ظرفیت‌های متعدد در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی این آمادگی را دارد تا در عرصه بین‌الملل بازیگر مؤثری باشد. در ادامه به معرفی برخی ظرفیت‌های کشورهای منطقه و فرصت‌های پیش روی سلاک می‌پردازیم.

۱.۲. اقتصاد کشورهای سلاک و بهره‌مندی از منابع غنی

یکی از ظرفیت‌های عمده سلاک بهره‌مندی کشورهای عضو این اتحادیه از منابع غنی معدنی و طبیعی است؛ منابعی که در برخی موارد در جهان منحصربه‌فردند. عمیق‌ترین و ماندگارترین زخمی که بر پیکره کشورهای مستعمره در منطقه آمریکای لاتین باقی مانده و هنوز کشورها در حال تلاش برای رفع مشکلات ناشی از آن‌اند ضربه‌ای است که استعمارگران با غارت منابع اولیه و منابع غنی این منطقه و عقب‌نگه‌داشتن آن‌ها از فرایند توسعه همه‌جانبه به این کشورها وارد کرده‌اند. امروزه، دولت‌های مردمی در آمریکای لاتین با تغییر سیاست‌های اقتصادی پیشین و با وارد کردن شرکای جدید اقتصادی تلاش می‌کنند از حداکثر ظرفیت اقتصادی منطقه استفاده کنند.

در تحلیلی از حجم اقتصادی مجموعه کشورهای آمریکای لاتین میزان تولید ناخالص داخلی را معیار بررسی قرار می‌دهیم. با استناد به این معیار و بر اساس آمار بانک جهانی، دو کشور برزیل و مکزیک با اختصاص رتبه‌های ۹ و ۱۴ جزو بیست اقتصاد بزرگ جهان قرار می‌گیرند. برای نشان دادن میزان بزرگی اقتصاد منطقه می‌توان به حجم اقتصادی بیش از ۵ تریلیون و ۷۲۵ میلیارد دلاری اقتصاد کشورهای منطقه آمریکای لاتین اشاره کرد (World Economic Outlook Database, 2012).

علاوه بر این، توجه به میزان صادرات کشورهای عضو سلاک نیز راهگشاست. جمع کل میزان صادرات کشورهای عضو سلاک ۱ تریلیون و ۱۴۵ میلیارد دلار حاصل می‌شود. البته، بخشی از این رقم به صادرات کالا و خدمات کشورهای منطقه به دیگر کشورهای عضو سلاک مربوط می‌شود و نباید رقم فوق با میزان صادرات کشورهای عضو سلاک به خارج از منطقه اشتباه گرفته شود (WTO, 2012).

در میان کشورهایی که بیشترین حجم صادرات را به خود اختصاص داده‌اند، مکزیک در جایگاه ۱۴ و برزیل در جایگاه ۲۲ قرار دارند. در ادامه برای ارائه تصویری مناسب از ظرفیت‌های اقتصادی و منابع معدنی منطقه آمریکای لاتین به برخی ذخایر و تولیدات این منطقه اشاره می‌کنیم که رتبه‌های بالایی در سطح جهان دارند.

- بر اساس آمارهای که در سال ۲۰۱۲ مرکز آمار شرکت بریتیش پترولیوم ارائه کرد ۲۰/۴ درصد منابع نفتی کشف‌شده جهان به منطقه آمریکای لاتین تعلق دارد. طبق این گزارش ونزوئلا با برخورداری از ذخیره ۲۹۶ میلیارد بشکه‌ای نفت و با پشت سر گذاشتن عربستان به بزرگ‌ترین دارنده ذخایر نفت جهان تبدیل شده است. طبق این گزارش حدود ۴ درصد ذخایر اثبات شده گاز جهان و ۶/۷ درصد گاز تولیدی جهان به کشورهای این منطقه تعلق دارد. (BP, 2012:6-20).
- برزیل و مکزیک به ترتیب نهمین و سیزدهمین کشور تولیدکننده فولاد جهان به شمار می‌آیند (World Crude Steel Production:2011).
- براساس آمار سال ۲۰۱۰ کشور پرو بزرگ‌ترین تولیدکننده فلز نقره در جهان است. و پس از آن، کشورهای مکزیک، شیلی و بولیوی به ترتیب با رتبه‌های دوم، پنج و هفتم قرار دارند.
- کشور پرو با تولید ۱۶۴ تن طلا در سال ۲۰۱۰ رتبه پنجم در میان تولیدکنندگان طلای جهان را به خود اختصاص داد. (www.goldinvestingnews.com). طبق آمار سال ۲۰۱۰ کشورهای پرو، شیلی و برزیل در مجموع ۱۵ درصد از منابع طلای جهان را در اختیار دارند (www.gold.infomine.com).
- کشور شیلی علاوه بر دارا بودن رتبه اول تولید فلز مس در جهان، بیشترین ذخایر فلز لیتیم را دارد و بزرگ‌ترین تولیدکننده این فلز نیز هست (U.S. Geological Survey: 2012).
- حدود ۱۷ درصد تولید فلز آهن در جهان به آمریکای لاتین تعلق دارد و در رده بندی جهانی نیز کشور برزیل رتبه سوم جهان را کسب کرده است (Steel Statistical Yearbook,2010:100).
- علاوه بر اینکه رتبه اول تولید زمرد جهان به کلمبیا تعلق دارد، زمرد معادن این کشور از لحاظ کیفیت بالاترین سطح در جهان است (www.micro.magnet.fsu.edu).
- برزیل دارای بزرگ‌ترین منابع آب شیرین تجدیدپذیر جهان است. سایر کشورهای آمریکای لاتین هم رتبه‌های ارزشمندی دارند. در رده بندی جهانی پس از برزیل،

وزن‌ثلا با رتبه ۱۱، شیلی با رتبه ۱۴، آرژانتین با رتبه ۱۸ و مکزیک با رتبه ۲۲ قرار دارند. این موضوع با توجه به کمبود منابع آب شیرین و پیش‌بینی بحران آب در آینده جهان اهمیتی حیاتی می‌یابد.

• می‌توان به رتبه اول برزیل در تولید نیشکر، قهوه و مرکبات و رتبه دوم آن در تولید محصولات مانند لوبیا و سویا در جهان اشاره کرد (www.faostat.fao.org:2010).

• در تولید ذرت، طبق آمار سال ۲۰۱۰ برزیل، مکزیک و آرژانتین به ترتیب رتبه‌های سوم، چهارم و هشتم جهان را دارند (Maize, 2009).

• در تولید گوشت گاو، برزیل رتبه دوم، آرژانتین رتبه پنجم و مکزیک رتبه هشتم جهان را داراست. در تولید گوشت مرغ نیز برزیل پس از آمریکا بزرگ‌ترین صادرکننده گوشت مرغ به دیگر کشورهاست. شایان ذکر است برزیل و آمریکا به تنهایی حدود ۷۶ درصد از صادرات گوشت مرغ جهان را به خود اختصاص داده‌اند (Daily Livestock Report, 2010:120).

۲.۲. اشتراک فرهنگی

اشتراک فرهنگی میان مردم منطقه آمریکای لاتین زمینه‌ساز ایجاد و تحکیم همگرایی در میان اعضای سلاک و ارتقای سطح تأثیرگذاری این اتحادیه در عرصه بین‌المللی است. بسیاری از کشورهای منطقه از تاریخ باستان مشترک و فراتر از مرزهای امروزی خود بهره می‌برند. برای مثال، دوران تاریخی تمدن‌های مایا، آزتک و اینکاها بخشی از تاریخ باستان کشورهای این منطقه است؛ تمدن‌هایی که سرخ‌پوستان بومی آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی آن را بنا نهاده و با ورود مستعمران اسپانیایی به منطقه نابود شدند و به تاریخ پیوستند.

این تاریخ باستان مشترک، یکی از بارزترین وجوه اشتراک مردم آمریکای لاتین، دین و مذهب مشترک بسیاری از مردم منطقه است. آمریکای لاتین پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی دنیاست و بیش از ۷۰ درصد مردم منطقه پیرو کلیسای کاتولیک‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۹۰:۳۵). از آنجا که ورود مسیحیت به منطقه به ورود استعمارگران

اروپایی و سال‌ها قبل از تشکیل دولت‌های فعلی بازمی‌گردد، می‌توان ادعا کرد اشتراک مذهبی و پیوند دینی مردم فراتر از مرزهای ملی است؛ مسئله‌ای که در امواج معاصر و نوگرایش دینی نیز مشهود است. در واقع، نمی‌توان تفکرات و گرایش دینی مردم منطقه را در قالب کشوری خاص محدود کرد؛ مسئله‌ای که امروزه در گرایش مردم به مذهب پروتستان، الهیات رهایی‌بخش، مسیحیت آفروامریکایی، پنطیکاست‌ها^۱، مورمون‌ها و جز آن مشهود است (پیشین: ۴۰-۴۹).

یکی دیگر از وجوه اشتراک مردم، فراگیری زبان اسپانیولی در میان ۱۸ کشور عضو سلاک است. ۶۳ درصد از جمعیت کشورهای عضو این اتحادیه اسپانیولی‌زبان هستند. هم‌زبانی مردم، علاوه بر ترویج و گسترش ادبیات مشترک، به عامل مؤثری در جهت تقویت همگرایی مردم و دولت‌های منطقه تبدیل شده است.

تاریخ مشترک کشورهای منطقه یکی دیگر از اصلی‌ترین وجوه اشتراکی است که شاید بتوان آن را عامل اصلی بسیاری از تشابهات فعلی منطقه مانند مذهب، زبان و جزآن دانست. حضور دو قدرت استعماری اسپانیا و پرتغال در منطقه آمریکای لاتین که با توافق بین خود در ۷ ژوئن سال ۱۴۹۴ میلادی و پیمان توردسیلاس^۲ کشورهای منطقه را بین خود تقسیم کردند، زمینه ایجاد فرهنگ و تاریخ مشترکی را میان مردم منطقه فراهم کرد. می‌توان به تاریخ مشترک استقلال‌خواهی و مبارزه با استعمار، تلاش برای تشکیل دولت‌های مستقل، مبارزان و انقلابیون فراملی در منطقه مانند سیمون بولیوار، امیلیانو زاپاتا، ساندینو و چه‌گوارا اشاره کرد.

۳.۲. هم‌فکری و اشتراک دیدگاه سیاسی کشورهای عضو

ناکارآمدی اجرای مدل نئولیبرالیستی اقتصاد در آمریکای لاتین عملاً راه را برای طرح اندیشه‌های نو در این منطقه باز کرد در این میان، ظهور یا در واقع احیای ایده‌های چپ در قالب‌های نو بارزترین تحولی بود که در سطح منطقه آمریکای لاتین از آن استقبال شد.

1. Pentecostalismo (پنجاهه‌گرا)

2. Tordesillas

برزیل، آرژانتین، ونزوئلا و حتی شیلی در صدر کشورهای قرار گرفتند که رهبرانشان گرایش به سیاست‌های اقتصادی را با معیارهای جدید چپ‌گرایانه آغاز کردند (شهامت‌دار، ۱۳۸۵). عموم کشورهای قدرتمند و تأثیرگذار منطقه در شمار کشورهای چپ‌گرا یا دست‌کم ترقی‌خواه هستند. برخی از این سران کشورها عبارتند از کریستینا فرناندز (آرژانتین)، اوو مورالس (بولیوی)، دیلما روسف (برزیل)، رائل کاسترو (کوبا)، رافائل کوره‌آ (اکوادور)، لئونل فرناندز (جمهوری دومینیکن)، آلوارو کولوم (گواتمالا)، دانیل اورتگا (نیکاراگوئه)، فرناندو لوگو (پاراگوئه)، اویانتا اومالا (پرو)، خوسه موخیکا (اوروگوئه)، هوگو چاوز (ونزوئلا) و سران بسیاری از دیگر کشورهای منطقه مانند گویان و شبه‌جزیره آنتیل. این کشورها بخش بسیار بزرگی از خاک و تولید ناخالص منطقه آمریکای لاتین و حوزه کاراییب را در اختیار دارند. همگرایی در مواضع سیاسی و اتخاذ راهکار مشترک برای توسعه کشورهای منطقه در کنار ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی ایالات متحده از بارزترین ویژگی‌های رهبران کشورهای همسو در آمریکای لاتین است. علاوه بر این، در صورتی که حضور در میان اعضای جنبش عدم تعهد را معیاری برای وجود نگاه مشترک سیاسی کشورها بدانیم، می‌توان به حضور تقریباً همه کشورهای عضو سلاک در میان کشورهای عضو و ناظر این جنبش اشاره کرد.

۴.۲. تجربه و ظرفیت همگرایی در منطقه

همگرایی میان کشورهای آمریکای لاتین پدیده‌ای نو و ناشناخته برای دولت‌ها نیست، زیرا دولت‌های این منطقه در سال‌های اخیر در قالب اتحادهای منطقه‌ای نشان داده‌اند برای شرکت در اتحادی جدید و پذیرش الزام‌های همگرایی میان کشورها در قالب سلاک آمادگی لازم را دارند. برای مثال، می‌توان به نمونه‌هایی از اتحادهای منطقه‌ای در طول سال‌های اخیر میان کشورهای منطقه مانند بازار مشترک جنوبی (مرکوسور)، اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی (اوناسور)، اتحادیه بولیواری برای ملت‌های آمریکای لاتین (آلبا)، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) و جامعه آند اشاره کرد.

۵.۲. اهمیت منطقه به منزله بازیگری نوین در نظام بین‌الملل

منطقه‌گرایی به عنوان تجلی و نمود همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد، ولی به تدریج این فرایند در حوزه‌های جغرافیایی دیگری مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. بر اثر تغییر و تحولات نظام بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌المللی به تدریج اشکال جدیدی از منطقه‌ای شدن خارج از اروپا و جهان توسعه یافته ظهور کرد که از تجربه همگرایی اروپا متفاوت و متمایز است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۹۹). با اهمیت یافتن منطقه‌گرایی نوین، نقش اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین و کاراییب در نظام بین‌المللی از گذشته پررنگ‌تر شده است. به‌ویژه با ورود به عصر جهانی شدن و تأثیر آن در کوتاه کردن فاصله‌ها این منطقه نقش فعال‌تر و مؤثرتری در نظام بین‌المللی یافته است. این مسئله زمینه‌ساز حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین و روسیه در منطقه شده است. امروز، دیگر از آمریکای لاتینی که حیاط‌خلوت ایالات متحده بود، اثری باقی نمانده و این منطقه با تعریف هویتی مستقل برای خود تلاش می‌کند در عرصه‌های بین‌المللی بازیگر مؤثری باشد. حمایت از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای، حمایت از محور مقاومت و مردم مظلوم فلسطین، انتقاد از مداخله‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای مختلف، تلاش برای حضور در میان اعضای دائم شورای امنیت، سرمایه‌گذاری کلان برخی کشورهای منطقه در قاره‌های دیگر مانند آفریقا نشانه‌هایی از تلاش کشورهای این منطقه برای ایفای نقش مستقل و مؤثر در عرصه بین‌المللی است.

۳. چالش‌های فراروی سلاک

نابرابری و ناهمسانی واحدهای همگرا در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی یکی از عمده‌ترین دلایل ناکارآمدی در فرایند همگرایی اعضا و در زمره موانع پیش روی همگرایی کشورهای عضو سلاک است. بر این اساس می‌توان چالش‌های زیر را برشمرد.

۱.۳. توسعه نامتوازن کشورهای عضو

با توجه به عضویت تعداد زیادی از کشورهای منطقه در سلاک، طیف گسترده‌ای از کشورها با میزان مختلف توسعه‌یافتگی در میان اعضا وجود دارد. این موضوع زمینه‌ای برای ایجاد فاصله و اختلاف در همگرایی اعضا شده است. به منظور ارائه تصویری ملموس از میزان توسعه‌یافتگی کشورهای عضو سلاک شاخص‌های درآمد سرانه، تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی اعضا را بررسی و مقایسه می‌کنیم.

۱.۱.۳. درآمد سرانه

با رجوع به آمار بانک جهانی درباره درآمد سرانه کشورهای عضو می‌توان به تفاوت فاحش درآمد سرانه مردم کشورهای عضو این اتحادیه پی برد. درآمد سرانه یک کشور حاصل تقسیم تولید ناخالص داخلی بر تعداد جمعیت آن و یکی از نشانه‌های بهره‌مندی مردم کشورها از سطح رفاه اقتصادی است. در جدول ۱ به ترتیب سه کشور با بیشترین درآمد سرانه و سه کشور با پایین‌ترین درآمد سرانه منعکس می‌شود که عضو سلاک‌اند. این موضوع نشان‌دهنده تفاوت مشهود میزان درآمد سرانه کشورهای عضو این جامعه منطقه‌ای است. جدول ۱ اختلاف حدود ۳۰ هزار دلاری میان درآمد سرانه کشورهای ثروتمند و فقیر عضو سلاک را نشان می‌دهد.

جدول ۱. درآمد سرانه سه کشور با بیشترین و کمترین درآمد سرانه از میان اعضای سلاک

ردیف	رتبه کشور از نظر درآمد سرانه در میان اعضای سلاک	نام کشور	میزان درآمد سرانه به دلار
۱	۱	باهاما	۳۱۷۴۶
۲	۲	ترینیداد و توباگو	۲۵۷۳۹
۳	۳	باربادوس	۱۹۴۲۳
۴	۳۱	گویان	۳۴۳۲
۵	۳۲	نیکاراگوئه	۲۹۱۳
۶	۳۳	هاییتی	۱۱۱۱

منبع: آمار بانک جهانی سال ۲۰۱۲

۲.۱.۳. تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی یکی از مقیاس‌های اندازه‌ی اقتصاد به شمار می‌آید. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده‌ی ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی دوران معینی، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود هرچه این عدد، بزرگ‌تر باشد اقتصاد کشور بزرگ‌تر و هرچه عدد کوچک‌تر باشد اقتصاد کشور کوچک‌تر است. در ادامه، برای مقایسه‌ی تفاوت وضعیت اقتصادی کشورهای عضو سلاک بر اساس حجم اقتصاد آن‌ها سه کشور با بالاترین تولید ناخالص داخلی و سه کشور با پایین‌ترین تولید ناخالص داخلی عضو اتحادیه را معرفی می‌کنیم.

جدول ۲. تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سلاک

ردیف	رتبه‌ی کشور از نظر تولید ناخالص ملی در میان اعضای سلاک	نام کشور	میزان تولید ناخالص ملی به دلار
۱	۱	برزیل	۲/۱۸۵ تریلیون دلار
۲	۲	مکزیک	۱/۶۵۱ تریلیون دلار
۳	۳	آرژانتین	۶۴۷ میلیارد دلار
۴	۳۱	گرانادا	۱ میلیارد دلار
۵	۳۲	سنت کیتس و نویس	۸۷۲ میلیون دلار
۶	۳۳	دومینیکا	۸۳۴ میلیون دلار

منبع: آمار بانک جهانی سال ۲۰۱۲

اطلاعات جدول ۲ تفاوت بسیار مشهود حجم و بزرگی اقتصاد کشورهای عضو سلاک را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار، بزرگی اقتصاد برزیل به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه‌ی آمریکای لاتین بیش از ۲۰۰۰ برابر اقتصاد کشورهایی مانند دومینیکا، گرانادا و سنت کیتس است.

۳.۱.۳. شاخص توسعه‌ی انسانی

از سال ۱۹۹۰، هر ساله برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد گزارشی با نام گزارش توسعه‌ی

انسانی را منتشر می‌کند در این گزارش، شاخص توسعه انسانی^۱ کشورهای مختلف شامل: شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و سیاسی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول ۳. شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو سلاک

ردیف	رتبه کشور در میان کشورهای عضو سلاک	نام کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه کشور در میان کشورهای جهان
۱	۱	شیلی	۰/۸۰۴	۴۴
۲	۲	آرژانتین	۰/۷۹۵	۴۵
۳	۳	باربادوس	۰/۷۹۳	۴۷
۴	۴	اروگوئه	۰/۷۸۳	۴۸
۵	۵	کوبا	۰/۷۷۶	۵۱
۶	۲۹	گویان	۰/۶۳۳	۱۱۷
۷	۳۰	هندوراس	۰/۶۲۵	۱۲۱
۸	۳۱	نیکاراگوئه	۰/۵۸۹	۱۲۹
۹	۳۲	گواتمالا	۰/۵۷۴	۱۳۱
۱۰	۳۳	هاییتی	۰/۴۵۴	۱۵۸

منبع: (Human Development Reports, 2011:127)

در تعریف سازمان ملل از شاخص توسعه انسانی، کشورها به چهار گروه شاخص توسعه انسانی بسیار بالا، بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌شوند. با معیار قرار دادن این تقسیم‌بندی ۳۳ کشور عضو سلاک به شکل زیر تقسیم می‌شوند: سه کشور دارای شاخص توسعه انسانی بسیار بالا، ۲۰ کشور دارای شاخص توسعه انسانی بالا، ۹ کشور با شاخص توسعه انسانی متوسط و یک کشور با شاخص توسعه انسانی پایین.

در سلاک اقتصادهای برزگی مانند برزیل، مکزیک و آرژانتین در کنار کشورهایمانند هاییتی و دومینیکا قرار گرفته‌اند. در برخی کشورهای عضو سلاک مردم با بهره‌مندی از درآمد سرانه بالا در شرایط مطلوبی زندگی می‌کنند، در حالی که در برخی

1. Human Development Index (HDI)

دیگر از کشورها مردم به دلایل مختلف درآمد بسیار پایینی دارند. با در نظر قرار دادن این سه مؤلفه یعنی درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی و شاخص توسعه انسانی و مقایسه داده‌های آماری کشورهای عضو سلاک این نکته به خوبی معلوم می‌شود که سلاک دایره گسترده‌ای از کشورهای توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته یا حتی کشورهای توسعه‌نیافته را دربرمی‌گیرد. این مسئله، یعنی عدم توازن میان وضعیت توسعه‌یافتگی کشورهای عضو سلاک یکی از چالش‌های عمده پیش روی این اتحاد منطقه‌ای است و همگرایی در این منطقه را با چالشی جدی مواجه کرده است.

۲.۳. فقر و اختلاف طبقاتی

منطقه آمریکای لاتین از دیرباز با پدیده فقر و تضاد طبقاتی مواجه بوده و این موضوع یکی از چالش‌ها و موانع پیش روی تأثیرگذاری سلاک در سطح بین‌المللی است. بسیاری از کشورهای عضو سلاک خصوصاً کشورهای پرجمعیت این اتحادیه امروزه با پدیده فقر و توزیع نامناسب درآمد مواجه‌اند. شاید برای اثبات این مسئله رجوع به آمار کسانی که با درآمد پایین‌تر از خط فقر در این کشورها زندگی می‌کنند مناسب باشد. بر اساس آخرین آمارها، خط فقر ملی در برخی کشورهای آمریکای لاتین بدین ترتیب است: بولیوی ۶۴ درصد، کلمبیا ۶۴ درصد، هائیتی ۶۵ درصد، گواتمالا ۵۶ درصد، ونزوئلا ۵۲ درصد، هندوراس ۵۰ درصد، گواتمالا ۵۶ درصد، اکوادور ۴۵ درصد. یکی از شاخص‌های دیگری که بیانگر وضعیت نامناسب توزیع ثروت و وجود فقر در آمریکای لاتین است، تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت در این کشورهاست. ضریب جینی^۱ معیار مناسبی برای اثبات این موضوع است. آخرین میزان ضریب جینی کشورهای آمریکای لاتین در جدول ۴ آورده شده است.

۱. ضریب جینی واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در جامعه آماری استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک دارد. هر قدر ضریب جینی نزدیک به صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و برعکس هر قدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می‌کند.

جدول ۴. ضریب جینی کشورهای آمریکای لاتین

سال	ضریب جینی	نام کشور
۲۰۰۱	۰/۶۰	هائیتی
۲۰۰۷	۰/۵۷	بولیوی
۲۰۰۸	۰/۵۲	پاراگوئه
۲۰۰۹	۰/۵۴	برزیل
۲۰۰۹	۰/۵۲	پاناما
۲۰۰۶	۰/۵۴	گواتمالا
۲۰۰۹	۰/۵۲	شیلی
۲۰۱۰	۰/۵۶	کلمبیا
۲۰۰۷	۰/۵۸	هندوراس
۲۰۰۸	۰/۴۷	السالوادور
۲۰۰۷	۰/۴۸	جمهوری دومینیک
۲۰۰۹	۰/۴۸	پرو
۲۰۰۹	۰/۴۶	آرژانتین
۲۰۰۶	۰/۴۴	ونزوئلا
۲۰۰۹	۰/۵۰	کاستاریکا
۲۰۰۸	۰/۵۲	مکزیک
۲۰۰۹	۰/۴۹	اکوادور
۲۰۰۴	۰/۴۶	جامایکا
۲۰۰۹	۰/۴۲	اروگوئه
۲۰۰۵	۰/۵۲	نیکاراگوئه

منبع: آمار بانک جهانی

نکته‌ای که با مراجعه به آمار جدول ۴ از میزان ضریب جینی در کشورهای مختلف جهان جلب توجه می‌کند این است که حدود نیمی از ۳۰ کشوری که بیشترین ضریب جینی در جهان را دارند، از منطقه آمریکای لاتین و از اعضای سلاک‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که منطقه آمریکای لاتین به بیشترین تضاد طبقاتی و نابرابری درآمدی در جهان دچار است (Klasen, 2009: 2). فقر و تضاد طبقاتی علاوه بر ایجاد شکاف در همگرایی کشورهای عضو، سدی در برابر نقش‌آفرینی جهانی این اتحادیه محسوب می‌شود.

۳.۳. وابستگی به کمک‌های اقتصادی کشورهای خارج از منطقه

اگرچه تعاریف مختلفی از کمک‌های اقتصادی وجود دارد و حوزه تقسیم‌بندی این کمک‌ها گسترده و متفاوت است، اما برخی مراکز سعی دارند آمارهای کشورها را جمع‌بندی کنند. با توجه به این تنوع، کشورهایی که بیشترین حجم مالی کمک‌های اقتصادی به دیگر کشورها را دارند به ترتیب عبارتند از: آمریکا، انگلستان، ژاپن، فرانسه، آلمان، هلند، سوئد، کانادا، و ایتالیا.

با توجه به بحران‌های مختلف اقتصادی در این کشورها و حوادثی مانند سونامی در ژاپن، ترتیب و جایگاه این کشورها در سال‌های اخیر تغییر کرده است، اما آنچه ملموس است حضور تعداد زیادی از کشورهای غربی در میان کشورهای برتر کمک‌کننده به کشورهای دیگر است. این مسئله در منطقه آمریکای لاتین نیز صدق می‌کند. بر اساس آمار سال ۲۰۱۰ نام ۱۰ کشور و مؤسسه‌ای که بیشترین کمک مالی را طی این سال بر اساس شاخص ODA^۱ به منطقه آمریکای لاتین کرده‌اند، در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. رتبه و میزان کمک اقتصادی کشورها و مؤسسات به منطقه آمریکای لاتین

ردیف	کشور	میزان کمک اعطایی (میلیون دلار)	درصد
۱	ایالات متحده	۲۷۲۲	۲۵
۲	اسپانیا	۱۳۷۰	۱۳
۳	اتحادیه اروپا	۱۲۸۹	۱۲
۴	آلمان	۹۱۳	۸
۵	کانادا	۸۰۸	۷
۶	فرانسه	۶۶۵	۶
۷	بانک توسعه قاره آمریکا	۵۰۱	۵
۸	نروژ	۴۳۴	۴
۹	مؤسسه توسعه بین‌الملل	۲۸۴	۳
۱۰	هلند	۲۲۳	۲
	دیگر کشورها و مؤسسات	۱۶۰۳	۱۵

منبع: Development Aid, 2012:7

1. Official Development Assistance

در میان کشورهای آمریکای لاتین، هائیتی با دریافت ۳۰۷۶، کلمبیا ۹۱۰، نیکاراگوئه ۶۲۸، بولیوی ۶۷۶، هندوراس ۵۷۶، برزیل ۶۶۴، گواتمالا ۳۹۸، مکزیک ۴۷۳، السالوادور ۲۸۴ میلیون دلار کمک مالی بالاترین رتبه را در دریافت کمک اقتصادی به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که دیگر کشورهای این منطقه ۳۴۲۸ میلیون دلار دیگر علاوه بر مبالغ فوق کمک اقتصادی دریافت کرده‌اند (Development Aid, 2012:7).

علاوه بر کشورها، مؤسسات و سازمان‌های مختلفی به منطقه آمریکای لاتین کمک مالی ارسال کرده‌اند که اسامی و میزان کمک مالی پنج مؤسسه برتر عبارت‌اند از:

۱. اتحادیه اروپا ۱۲۸۹ میلیون دلار

۲. بانک توسعه قاره آمریکا ۵۰۱ میلیون دلار

۳. انجمن توسعه بین‌الملل ۲۸۴ میلیون دلار

۴. صندوق جهانی ۱۷۳ میلیون دلار

۵. بنیاد توانمندسازی زنان ۱۲۵ میلیون دلار

در میان کشورهای منطقه نوع مصرف کمک‌ها در بخش‌های مختلف متفاوت است، ولی به طور کلی از مجموعه کمک‌هایی که در سال ۲۰۱۰ به کشورهای آمریکای لاتین شده است، بخش‌های مختلف درصدهای زیر را به خود اختصاص دادند: (Development Aid, 2012:11)

الف) ۴۳ درصد برای آموزش، خدمات بهداشتی و ارتقای سلامت عمومی، ارتقای بهداشت باروری، توسعه جامعه مدنی، تأمین آب سالم و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی.

ب) ۱۵ درصد کمک‌های بشردوستانه.

ج) ۱۲ درصد برای توسعه حمل و نقل عمومی و ارتباطات، توسعه بانکداری و تجارت و تأمین انرژی.

د) ۱۰ درصد برای کمک به توسعه کشاورزی، صنعت، معدن، جنگلداری،

ماهگیری یا توسعه تجارت (Ibid:11).

۴.۳. اختلافات مرزی بین اعضا

با پدید آمدن دولت‌ها و ملت‌ها در طول تاریخ و اعتبار یافتن مرزها اختلاف مرزی میان کشورهای همسایه به پدیده‌ای معمول و یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های تنش‌ها و منازعات بین‌المللی تبدیل شده است. منطقه آمریکای لاتین از این معضل مستثنا نیست و اختلاف مرزی میان کشورهای این منطقه به عاملی جهت ایجاد اختلاف میان مردم و دولت‌های این منطقه تبدیل شده است. اگرچه ممکن است این مجموعه اختلافات در برهه‌ای از تاریخ رخ دهد و در زمان حال بحرانی بین دو کشور وجود نداشته باشد، اما آنچه مهم است، تأثیر این اختلافات تاریخی بر روند کلی همگرایی در میان کشورهای منطقه است. در ادامه به تفکیک به تعداد و موضوع اختلاف مرزی میان کشورهای منطقه اشاره می‌کنیم:

۱. اختلاف بین ونزوئلا و دومینیکا بر سر مجمع‌الجزایر پرندگان
۲. اختلاف بین بلیز و گواتمالا بر سر بخش‌های جنوبی مرزی بین دو کشور
۳. اختلاف میان کشورهای کلمبیا، نیکاراگوئه، جامائیکا و ایالات متحده بر سر مجموعه جزایر مرغان جدید
۴. اختلاف میان کاستاریکا و نیکاراگوئه بر سر بخش شمالی جزیره کالرو
۵. اختلاف میان هندوراس و السالوادور بر سر جزیره خرگوش
۶. اختلاف میان کلمبیا و نیکاراگوئه بر سر مجمع‌الجزایر سان‌آندرس و سانتا کاتالینا
۷. اختلاف میان بلیز، گواتمالا و هندوراس بر سر جزیره مرجانی و غیرمسکونی ساپودیا واقع در خلیج هندوراس
۸. اختلاف بین کلمبیا، هندوراس، نیکاراگوئه و ایالات متحده بر سر جزیره صخره سرانیا
۹. اختلاف بین شیلی و بولیوی به علت ادعای بولیوی مبنی بر دستیابی به دریای آزاد پس از جنگ ۱۸۷۹ (Morales, 2003: 74)
۱۰. اختلاف بین ونزوئلا و گویان بر سر جزیره آنکوکو
۱۱. اختلاف بین برزیل و اوروگوئه بر سر رودخانه اینورنادا

۱۲. اختلاف بین برزیل و پاراگوئه بر سر آبشار گئوئیرا
۱۳. اختلاف بین گویان و سورینام بر سر رودخانه‌ای در شرق گویان به نام کورنتین
۱۴. اختلاف بین گویان و ونزوئلا بر سر رودخانه مرزی اسکویبو بین دو کشور
۱۵. اختلاف بین برزیل و اوروگوئه بر سر جزیره‌ای کوچک به نام برزیل واقع در رودخانه‌ای مرزی

۱۶. اختلاف بین بولیوی و برزیل بر سر جزیره سوارز
۱۷. اختلاف بین ونزوئلا و کلمبیا بر سر مجمع‌الجزایر راهبان
۱۸. اختلاف بین شیلی و پرو بر سر مرزهای آبی در اقیانوس آرام
۱۹. اختلاف بین آرژانتین و شیلی بر سر یخچالی واقع در جنوب رشته کوه آند به نام پاتاگونیان (Burkholder, 2010:43).

۵.۳. بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای عضو

آمریکای لاتین از دیرباز با کودتا قرین بوده و یکی از مناطقی است که بیشترین تعداد کودتا را در جهان تجربه کرده است. کودتاهای پیاپی در منطقه سال‌ها سایه‌ای سنگین بر مردم‌سالاری و استقرار دولت ملی افکنده بود. این مسئله در سال‌های اخیر کمتر شده، اما همچنان تهدیدی برای دولت‌های ملی خصوصاً دولت‌های انقلابی مخالف ایالات متحده به شمار می‌رود. از سال ۱۹۰۰ به بعد بیش از ۸۰ کودتای موفق و ناموفق در منطقه آمریکای لاتین رخ داده است که سهم برخی کشورها مانند هائیتی، بولیوی، پرو و آرژانتین از این عدد به ترتیب پانزده، سیزده، هفت و شش است. در این میان، کشورهایمانند گرانادا در طول یک سال (۱۹۸۳ میلادی) سه کودتای پیاپی را تجربه کرده‌اند. در بسیاری از این کودتاها عوامل کودتا از حمایت قدرت یا قدرت‌های خارجی بهره برده‌اند. متهم اصلی و حامی بسیاری از کودتاها منطقه کشور ایالات متحده آمریکا است که معمولاً با حمایت از کودتاگران، دولت‌های مردمی مخالف منافع خود را سرنگون می‌کند. با روی کارآوردن حکومت‌های مستبد نظامی زمینه برای تحقق منافع ایالات متحده در منطقه فراهم می‌شود. سرنگونی دولت مردمی سالوادور آلنده و حمایت از دیکتاتوری

ژنرال آگوستو پینوشه یکی از معروف‌ترین این کودتاها با حمایت آمریکا انجام شده است. در سال‌های اخیر، تلاش برای سرنگونی هوگو چاوز با کودتا یکی دیگر از این نمونه‌هاست. در سال ۲۰۱۲ میلادی نیز بر کناری رئیس‌جمهور مردمی کشور پاراگوئه، فرناندو لوگو، به دست مجلس سنای این کشور با واکنش شدید دولت‌های منطقه مواجه شد و با وجود طی روش‌های موجود در قانون اساسی این کشور، به کودتا و براندازی غیرقانونی تعبیر شد. این مسئله به تعلیق عضویت این کشور در مرکوسور انجامید.

۶.۳. ناهمگونی سیاسی برخی کشورهای عضو

با روی کار آمدن دولت‌های چپ جدید در منطقه آمریکای لاتین و ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی میان این کشورها جبهه قدرتمند و جدیدی در این قاره تشکیل شد که منافع امپریالیسم جهانی به‌ویژه آمریکا در منطقه را تهدید می‌کند، همه کشورهای عضو سلاک در این جبهه سیاسی تعریف نمی‌شوند. در کنار کشورهایی مانند کوبا، ونزوئلا، نیکاراگوا، پرو، بولیوی و اکوادور که سیاست‌های ضدآمریکایی را یکی از اصول سیاست خارجی خود لحاظ می‌کنند، کشورهایی مانند کلمبیا و مکزیک روابط گسترده‌ای با ایالات متحده دارند. علاوه بر عضویت مکزیک در نفتا در خصوص حجم روابط اقتصادی این دو کشور می‌توان به صادرات ۸۰ درصدی محصولات مکزیک به آمریکا اشاره کرد. وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در کلمبیا خصوصاً در نزدیکی مرزهای این کشور با ونزوئلا و اکوادور نشان‌دهنده سطح بالای این روابط است (هارنکر، ۱۳۹۰: ۱۴). ایالات متحده تلاش می‌کند اتحادیه منطقه‌ای جدیدی با محوریت کشورهای منطقه پاسیفیک جهت قراردادن در برابر اتحادهای مخالف خود مانند سلاک و اونسور تشکیل دهد. در واقع، حضور آمریکا در منطقه همواره تهدیدی برای استحکام همگرایی در سلاک محسوب می‌شود؛ زیرا تعدادی از اعضای سلاک به دلایل مختلف وابسته به کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی آمریکا هستند. این کشور یکی از اصلی‌ترین شرکای تجاری کشورهای منطقه محسوب می‌شود (www.strategicreview.org).

۴. نتیجه‌گیری

مفروضه بنیادی و محوری نوکارکردگرایی مفهومی تسری است که از طریق آن، زمینه‌ساز حرکت‌ها و اقدام‌های اولیه در جهت همگرایی اقتصادی و سازوکارهای درون‌زاد اقتصادی و سیاسی می‌شود. با شروع فعالیت همگرایانه و مشترک و تسری آن به بخش‌های مختلف می‌توان به جامعه‌ای متحد و مشترک در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی دست یافت. این فرضیه برای اتحادیه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (سلاک) که اتحادی نوپا میان کشورهای قاره آمریکا است، سلاک با بهره‌گیری از ظرفیت‌های متعدد سیاسی و اقتصادی خود به عنصری تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. برخورداری از منابع غنی انرژی، حجم اقتصاد و تجارت منطقه و حضور قدرت‌های برتر اقتصادی در جمع اعضا، منابع فراوان طبیعی و کشاورزی، اشتراکات فرهنگی و همسویی سیاسی اعضا، حضور دولت‌های چپ جدید در منطقه در کنار تلاش نخبگان و اراده رهبران منطقه در تقویت همگرایی میان اعضا تأثیرگذاری این اتحادیه در عرصه بین‌الملل را افزایش می‌دهد. بر این اساس در بافت و بستر سیاسی، منطق تسری و سیاسی شدن حاکی از آن است که اقدامات همگرایانه کشورهای عضو سلاک در یک حوزه دارای حساسیت اندک در سیاست سفلی است و باعث جرقه زدن و شروع همگرایی بیشتر در بخش‌های مرتبط سیاسی در منطقه می‌شود، به گونه‌ای که این فرایند به موضوعات و مسائل سیاست والا با درجه و اهمیت زیاد نیز گسترش خواهد یافت. در این راستا اراده اعضا برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های منطقه و پرهیز از ورود به حوزه‌های مورد اختلاف، همگرایی را به سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی تسری می‌بخشد، به گونه‌ای که همگرایی در بخش‌های اقتصادی به عرصه‌های سیاسی و امنیتی از رهگذر اتخاذ سیاست خارجی و امنیتی مشترک نیز سرایت می‌یابد و زمینه را برای نقش‌آفرینی فزاینده سلاک فراهم می‌آورد که بازیگر عمده در روابط بین‌المللی است.

منابع

- [۱]. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۳). "سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا از منظر نو کارکردگرایی"، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۲، ۱۴۶.
- [۲]. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). "تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره پنجم، ۱۰۱-۹۹.
- [۳]. رضایی، حسن. (۱۳۹۰). "امریکای لاتین: از دور از نزدیک"، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره هشتم، صفحه ۹.
- [۴]. شهاب‌دار، علی. چپ بومی، خاستگاه‌گرایی‌های چپ در آمریکای لاتین، ۱۵ دی ۱۳۸۵، قابل دسترس در سایت همشهری آنلاین.
- [۵]. مجتهدزاده، محسن. (۱۳۹۰). "مسیحیت در امریکای لاتین"، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره هشتم: ۳۵.
- [۶]. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- [۷]. هارنکر، مارتا. (۱۳۹۰). *امریکای لاتین و سوسیالیسم قرن بیست و یکم*، ترجمه حسن فشارکی زاده، تهران: نشر اشاره.
- [8]. BP Statistical Review of World Energy- June 2012.
- [9]. Burkholder, M. (2010). *Encyclopedia of Latin America: Amerindians through The Age of Globalization*, Facts On File.
- [10]. Daily Livestock Report , Vol. 8, June 2010 available at: www.dailylivestockreport.com.
- [11]. Data refer mostly to the year 2011, World Development Indicators database, World Bank. Accessed on 9 July 2012. available at: databank.worldbank.org.
- [12]. Development Aid at a Glance Statics by Region, 2012, vol 3. America.
- [13]. Food and Agriculture Organization of the United Nations, Statistics Division (2009). "Maize, rice and wheat: area harvested, production quantity, yield available at: www.faostat.fao.org.
- [14]. Gold Resources By Country, available at: www.gold.infomine.com.
- [15]. Human development statistical, World Bank GINI index, accessed on November 24, 2011 available at: www.data.worldbank.org.
- [16]. Klasen, S. (2009). *Poverty, Inequality, and Policy in Latin America*. Massachusetts Institute of Technology.
- [17]. Molecular Expressions: The Birthstone Collection - Emerald, available at: www.micro.magnet.fsu.edu.
- [18]. Morales, W. (2003). *A Brief History of Bolivia*. Lexington Associates.
- [19]. Steel Statistical Yearbook worldsteel Committee on Economic Studies, 2010, Brussels.

- [20]. Top 10 Gold Producing Countries of 2011, available at: www.goldinvestingnews.com.
- [21]. U.S. Geological Survey, 2012, Commodity summaries 2011: U.S. Geological Survey available at: www.minerals.usgs.gov.
- [22]. World Economic Outlook Database, April 2012. Gross domestic product, current prices available at: www.imf.org.
- [23]. www.strategicreview.org.

